

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هفتم-شماره اول-بهار ۱۳۹۳-شماره پیاپی ۲۳

نگاهی سبک‌شناسی به غزلیات سیمیندخت وحیدی

(۴۱-۶۲)

بهجت السادات حجازی (نویسنده مسئول)^۱، مژگان ونارجی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۹۳/۱/۲۸

چکیده:

سیمیندخت وحیدی از جمله بانوان شاعر معاصر انقلابی است که همزمان با درخشش اولین بارقه‌های انقلاب اسلامی، فعالیت شعری خود را آغاز کرده است. بخش عمده طبع آزماییهای این شاعر در قالب غزل و غزل نو معاصر با ژرف‌ساخت مذهبی و انقلابی است. وی با حساسیتها، ریزبینیها و نکته-سنجیهای خاص به تبیین ایدئولوژی و اندیشه اسلامی - انقلابی در بستر بی‌پیرایه و ساده اشعارش پرداخته است. او در غزلهایش علاوه بر تصویرسازیهای زیبا و تأثیرگذار و تلفیق لحن غنایی و حماسی به سبک هندی نیز متمایل است. در غزلهای وی، بسامد بالای واژه‌های مذهبی، محور عمودی غالب بر ابیات، صدای دستوری فعال و پایان‌بندیهای مناسب از نقاط مثبت به شمار می‌آیند. این جستار به روش تحلیل زبانی - محتوایی به بررسی ویژگیهای بارز سبکی غزلهای این شاعر پرداخته است.

واژه‌های کلیدی: سیمیندخت وحیدی، غزل معاصر، سبک‌شناسی، اندیشه و ایدئولوژی

^۱ دانشیار دانشگاه شهید باهنر کرمان hejazi@uk.ac.ir

^۲ کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

۱- مقدمه

در عرصه شعر و شاعری سیمیندخت از شاعران کلاسیک محسوب میشود. عمده اشعار او غزل است؛ البته در قالبهایی چون مثنوی، چهارپاره، رباعی، دوبیتی، شعرنو و سپید نیز طبع آزمایی کرده است. از محاسن شعری او به ویژه غزلیاتش میتوان به حسن مطلع اشاره داشت که خواننده را به خواندن شعرش تشویق میکند. شعر او به خاطر برخورداری از نازک اندیشیها و ظرافتها، بن‌مایه‌های قوی عاطفی و غنایی در برخی ابیات، پایان‌بندیهای مناسب و ... از ظرفیت خوبی برای نقد و بررسی برخوردار است. با وجود همه جذابیتها، کاستیهایی نیز در شعر او به چشم میخورد که تنوع و تازگی مضامین شعری و صداقت و حسن نیت شاعر آنها را تا حدودی کمرنگ میکند.

از میان قالبهای مختلف، غزل یکی از پرکاربردترین قالبهایی است در سیر تاریخی، تحولی و تکاملی خود دارای فراز و نشیبهای فراوانی بوده است. غزل در لغت به معنی «سخن گفتن با محبوب» و اصطلاحاً به اشعاری اطلاق میشود که در پنج تا دوازده بیت با درون‌مایه و محتوایی از عواطف و احساسات، عشق و عرفان و مضامین اجتماعی سروده شده باشد. با بروز تحولات اجتماعی و سیاسی و تغییر نگرش شاعران به دنیا و مسائل پیرامون خود و ترک انزوا و همراه شدن با مردم و تحولات اجتماعی، و احساس مسئولیت نسبت به دیگر انسانها و به وجود آمدن نگرش دگرگون‌سازی و ایجاد جامعه سالم و به دور از هر گونه تبعیض و استثمار و مبارزه در راه حق و عدالت و نابودی استکبار و استعمارگر، چه به لحاظ ساختار ظاهری و لفظی (به‌کارگیری ترکیبات و واژگان جدید) و چه به لحاظ معنایی و نوع به‌کارگیری صورخیال، تغییرات عمده‌ای در این قالب به وجود آمده است.^۱ (دستی بر آتش، کافی، ۸۲)

در این پژوهش برآنیم به بررسی ویژگیهای بارز سبکی غزلیات یکی از شاعران زن معاصر (سیمیندخت وحیدی) پردازیم، که در غزلسرایي و آفرینش تنوع درون‌مایه دستی دارد. الگوی ما در این جستار، روش نیمه سنتی (سبک‌شناسی شمیسا) یعنی تجزیه و تحلیل سه سطح زبانی، ادبی و فکری در غزلهای این شاعر است. در بیان بعضی از جزئیات ناگزیر گوشه‌چشمی به روش مدرن یا لایه‌ای (سبک‌شناسی فتوحی) نیز شده است. تمام ابیات از دیوان اشعار سیمیندخت وحیدی برگزیده شده‌اند و به همین دلیل در ارجاع آنها فقط به ذکر شماره صفحه بسنده خواهیم کرد.

۱-۲ پرسشهای پژوهش

مهمترین پرسشهایی که در این پژوهش به آنها پاسخ داده خواهد شد:

- ۱- ویژگی بارز سبکی غزلهای سیمیندخت وحیدی چیست؟
- ۲- اندیشه و دیدگاه غالب بر غزلیات او کدام است؟
- ۳- این شاعر در غزلیاتش بیشتر تحت تأثیر سبک کدام دوره یا شاعر بوده است؟

۱-۳ پیشینه پژوهش

سبک‌شناسی از جمله مباحثی است که، در خصوص آن پژوهش‌های گوناگونی انجام شده است. در عرصه این نوع از تحقیقات، آثار زنان از جمله آثاری است که کمتر مورد اقبال پژوهشگران بوده است. کارهای پژوهشی انجام شده بر روی آثار مردان نسبت به آثار زنان از بسامد بالاتری برخوردار است. این درحالی است که آثار زنان نیز دارای بستری غنی و مناسب برای انجام انواع پژوهش‌ها هستند. سیمیندخت وحیدی از شاعران زن معاصر است که پژوهش‌چندانی بر روی اشعارش انجام نشده است. در نشریه علوم تربیتی (شعر، ابراهیمی، ۱۳۷۶ و ۱۳۷۸) و ادبیات و زبانها (اشعار، بی نام، ۱۳۸۷) صرفاً به بیان شعر او و شاعران دیگر بدون تحلیل سبکی اکتفا شده است. همچنین پایان نامه مریم حسن‌خانی، تحت عنوان «تصویر آفرینی در شعر شاعران زن (طاهره صفارزاده، سپیده کاشانی، سیمیندخت وحیدی، فاطمه راکعی)» یکی از کارهای انجام شده در این حوزه است که به تصویر آفرینی در شعر این شاعران می‌پردازد. اما در خصوص سبک‌شناسی غزلیات این شاعر تاکنون پژوهشی مستقلی انجام نشده است.

۴-۱- روش پژوهش

در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از شیوه استقرایی، مبتنی بر روش کتابخانه‌ای و اسنادی، اطلاعات جمع‌آوری و به روش نمونه‌گیری، ابیات غزلها انتخاب شده است. سپس نمونه‌ها با استفاد از شیوه تحلیل زبانی - محتوایی، مورد بررسی قرار گرفته و یافته‌ها به صورت تحلیلی و توصیفی ارائه شده است و در پایان با استفاده از روش آمار استنباطی نتایج حاصل از بیت‌های نمونه، به فضای کلی غزل‌های این شاعر تعمیم داده شده است.

۲- نگاهی به زندگی و آثار سیمیندخت وحیدی

سیمیندخت وحیدی در اسفند ماه ۱۳۱۲ در چهارم به دنیا آمد. دوران کودکی و تحصیلات را در همانجا گذراند و دیپلم ادبی گرفت. رویکرد او به شعر به سال ۱۳۲۹ (سالگی) باز میگردد. شعرهای وی پس از پیروزی انقلاب تاکنون به صورت پراکنده در بیشتر نشریات کشور و جُنگ‌ها و مجموعه شعرهای مختلف گردآوری شده، انتشار یافته است. وی قبل از انقلاب فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی بسیاری داشت و بارها توسط ساواک مورد تعقیب قرار گرفت. به همین دلیل به مدت پانزده سال قلم را زمین گذاشت و در چاپ اعلامیه‌های امام خمینی^(ره) فعالیت‌های خود را ادامه داد. از آغاز دفاع مقدس، بارها برای شعرخوانی به جبهه شتافت و همراه و همگام با جمعی دیگر از شاعران انقلاب در خطرناکترین مناطق جنگی و نزدیکترین خطوط مقدم جبهه با دشمن، حضور مییافت و به شعرخوانی می‌پرداخت. وی در طول دو دهه اخیر (۱۳۷۰-۱۳۶۰)، از جمله فعالترین شاعران زن در عرصه دفاع مقدس بوده است. او تاکنون در بسیاری از شب‌های شعر دفاع و مقاومت، مناسبت‌های ویژه و همایش‌های سراسری شعر دفاع مقدس حضوری فعال داشته است. شعرهای وی همگی به شکل کلاسیک بوده و بیشتر در قالب غزل است. وی مدتی است که به تشکیل انجمن شعر ویژه زنان شاعر همت گماشته و جلسات هفتگی انجمن

را در منزل مسکونی خویش اداره و سرپرستی میکند. (حماسه های همیشه، بیگی حبیب‌آبادی، ج ۲: ۱۲۶۱) او در طول فعالیت خود دارای مسئولیتهای گوناگون و فراوانی بوده که از آن جمله میتوان به موارد ذیل اشاره کرد. همکاری با صدای جمهوری اسلامی ایران از اولین شب پیروزی انقلاب اسلامی، نویسندگی برنامه‌های مختلف رادیویی به ویژه برنامه خانواده که خود از دست‌اندرکاران تشکیل دهنده آن برنامه بوده است، همکاری با حوزه هنری، آموزش شعر برای دانش‌آموزان مستعد آموزش و پرورش در اردوهای تابستانی، مسئول آموزش مکاتباتی اصول و قواعد شعر برای نوجوانان و جوانان کشور، سردبیری نشریه کوثر، همکاری با بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس به عنوان داور در چندین مرحله از انتخاب بهترین کتاب سال دفاع مقدس، همکاری با تبلیغات جبهه و جنگ سپاه پاسداران در گردآوری، تصحیح شعر و ثبت خاطرات رزمندگان شهید، تدریس تاریخ ادبیات و اصول و قواعد شعر در کانونهای ادبی پردیس و شهید مفتاح و اردوهای تربیتی جوانان و دانشجویان و دانشگاه تربیت معلم.

آثار منتشر شده وی از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۹۰ عبارتند از: «هور»، مجموعه شعر، انتشارات آسیا، ۱۳۴۶، «یک آسمان شقایق»، شعر دفاع مقدس، حوزه هنری، دفتر ادبیات مقاومت ۱۳۷۴، «حس میکنم زندگی را»، حوزه هنری، ۱۳۷۵، «موجهای بی‌قرار»، حوزه هنری، ۱۳۷۵، «شعر جوان»، گردآوری شعر زنان، انتشارات حدیث، ۱۳۷۵، «از نگاه آینه‌ها»، گردآوری شعر دفاع مقدس زنان، بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس، ۱۳۷۷، «در قاب گلها»، گاهنامه شعر، دفتر ۴، گردآوری حوزه هنری، ۱۳۶۸، «کوثر ۲»، حوزه هنری، «گزیده ادبیات معاصر»، مجموعه شعر، شماره ۱۸، انتشارات نیستان، ۱۳۷۸، «هشت فصل سرخ و سبز»، شعر پایداری، نشر برگ زیتون، ۱۳۸۱ (همان: ۱۲۶۲)، «دیوان اشعار»، انتشارات انجمن قلم ایران، با حمایت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۰.

در عرصه شعر و شاعری سیمیندخت از شاعران کلاسیک محسوب میشود. عمده اشعار او غزل است؛ البته در قالبهایی چون مثنوی، چهارپاره، رباعی، دوبیتی، شعر نو و سپید نیز طبع آزمایی کرده است. از محاسن شعری او به ویژه غزلیاتش میتوان به حسن مطلع اشاره داشت که خواننده را به خواندن شعرش تشویق میکند. او به خاطر برخورداری از نازک‌اندیشیها و ظرافتها، بن‌مایه‌های قوی عاطفی و غنایی در برخی ابیات، پایان‌بندیهای مناسب و ... از ظرفیت خوبی برای نقد و بررسی برخوردار است. پس زمینه و اسلوب شعری او متمایل به سبک هندی به ویژه بیدل دهلوی است. شعر او اگرچه به لحاظ صوری و زبانی از سادگی و روانی برخوردار است؛ اما در پس پرده همین روانی و سادگی است که میکوشد اندیشه‌های والا، انقلابی، مذهبی، آیینی، ملی و دغدغه‌های خاص خود را که گاهی شکل اعتراض و گاهی حالت نوستالژیک به خود میگیرد، برای مخاطب خود بازگو کند.

۳- ویژگیهای سبکی غزلهای سیمیندخت وحیدی

در این بخش، غزل‌های سیمیندخت وحیدی بر مبنای سبک‌شناسی نیمه سنتی در سه سطح زبانی، ادبی و فکری مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۳-۱- سطح زبانی

۳-۱-۱- سطح آوایی

در این لایه ارزش و کاربرد آواها و تأثیرات زیبایی‌شناسانه و نقش‌آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد که عوامل و متغیرهای جغرافیایی، تاریخی، سنی، جنسیتی، طبقاتی و فیزیولوژیک بر آن مؤثر است. بخش عمده زیبایی موسیقایی شعر، حاصل همین لایه است. (سبک‌شناسی، فتوحی: ۲۴۸) گزینش وزن شعر، انتخاب ردیف، تکرار به صورتهای متفاوت (تکرار واج، هجا، واژه و ...) از جمله عوامل افزاینده موسیقی شعر اوست:

۳-۱-۲- وزن

در بررسی پنجاه غزل از مجموعه چهارصد و هفتاد غزل چاپ شده در دیوان شاعر مذکور، تنوع وزن در این غزلیات جلب توجه مینماید. این شاعر غزلیات خود را در پانزده نوع وزن سروده است که برخی از اوزان از بسامد بالاتری برخوردارند. به دلیل کثرت شعرها، در این بخش به ذکر مطلع آنها بسنده خواهیم کرد.

نخست نمونه وزنهای رایج در شعر او را (بر مبنای گفتار دکتر سیروس شمیسا با عنوان «پرکاربردترین وزنهای اشعار فارسی» (آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا: ۴۴) بر می‌شماریم:

- مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن (مضارع مثنیٰ اُخرب مکفوف محذوف) (غزل ص ۴۵)
 - مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلاتن (مجث مثنیٰ مخبون) (غزل ص ۶۱)
 - فعولن فعولن فعولن فعولن (مقارب مثنیٰ سالم) (غزل ص ۵۰، ۵۵)
 - فعولن فعولن فعولن فعل (مقارب مثنیٰ محذوف) (غزل ص ۶۵، ۹۱)
 - فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (رمل مثنیٰ محذوف) (غزل ص ۴۴، ۵۲، ۷۱)
 - مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلن (مجث مثنیٰ مخبون محذوف) (غزل ص ۳۸، ۵۷، ۵۸، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۹، ۷۰، ۸۲، ۸۷، ۹۴)
 - مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (هزج مثنیٰ سالم) (غزل ص ۹۳، ۹۷، ۸۰، ۷۷، ۵۹، ۴۷، ۴۶، ۴۱)
- افزون بر وزنهای رایج، به طور کلی می‌توان وزن‌های کاربردی در شعر او را به سه گروه تقسیم کرد:
- ۳-۱-۲-۱- اوزان کوتاه
- فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (رمل مسدس محذوف) (غزل ص ۴۸)
- از صدای آب، بی‌زاری چرا؟
مثل برف، آهسته میباری چرا؟
- (ص ۴۸)
- مفعول فاعلاتن مفاعیل (مضارع مسدس مکفوف) (غزل ص ۷۸)

- مفاعیلن مفاعیلن فعولن (هزج مسدس محذوف)
 فروغ جاودانی بود مولا
 پیام زندگانی بود مولا
 (ص ۷۸)
- فاعلاتن مفاعیلن فعلن (خفیف مسدس اصلم) (غزل ص ۷۴، ۷۶)
 عاشقم عاشق شما آقا!
 جان جدت بیا بیا آقا!
 (ص ۷۴)
 مانده‌ام بیقرار، ای آقا!
 مردم از انتظار، ای آقا!
 (ص ۷۶)
- ۱-۲-۳-اوزان بلند
 مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلن (بحر مجتث مثنی مخبون محذوف) (غزل ص ۳۹)
 بدان که چشم ندارند دیدن ما را
 به آسمان محبت، رسیدن ما را
 (ص ۳۹)
- فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن (رمل مثنی مخبون محذوف) (غزل ص ۸۱، ۷۲، ۴۲)
 صبح خندید و گذشتم بیاباها را
 نکشیدیم دگر جور خیابانها را
 (ص ۴۲)
 ای دل، زمزمه کن روح اهورایی را
 خلوت سبز من و آن همه زیبایی را
 (ص ۷۲)
 قطع شد با دل من، رشته پیوند شما
 میگریزد دلم از بازی لبخند شما
 (ص ۸۱)
- فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن (رمل مثنی مخبون) (غزل ص ۶۴)
 بر کف باد مده شوق مسلمان شدنم را
 با تب ابر بگو قصه باران شدنم را
 (ص ۶۴)
- فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (رمل مثنی محذوف) (غزل ص ۴۹)
 میبرد با خویش دست وحشت از اینجا مرا
 میگذرد آخر همین اندوه جانفرسا مرا
 (ص ۴۹)
- مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن (مضارع مثنی اخری مکفوف محذوف) (غزل ص ۸۳، ۷۳)

ای ناگهان ظهورت در انتظارم شکوفا! نام تو در متن سبز اندیشه زارم شکوفا

(ص ۷۳)

شش روز بعد منتظرم باش آشنا! پرواز سبز بال و پرم باش آشنا!

(ص ۸۳)

- فاعلات مفعولن فاعلات مفعولن (مقتضب مثنی مطوی مقطوع) (غزل ص ۹۰، ۵۴)

این وزن، وزنی است که حافظ یک شعر بدین وزن گفته است. (وقت را غنیمت دان آنقدر که بتوانی)

(شمیسا، ۱۳۸۱: ۴۲)

دسته دسته می‌میزند سارها، قناریها گوشه‌است لبریز از غارغار گاریها
کوچه، زار و دلخسته، خانه‌های در بسته سایه‌ای ز تاریکی ست متن سوگواریها

(ص ۹۰)

- مفاعیلین مفاعیلین مفاعیل مفعولن (هزج مثنی مکفوف اخرم) (غزل ص ۴۷، ۵۹)

اجابت کرد آن شب باز ایزد، دعايت را که چون عباس سنجیدند میزان وفایت را

(ص ۴۷)

شب ای شب، بشنو از آوای نی، سوز نهانم را! که شاید بشکند این بغض، درد ناگهانم را!

(ص ۵۹)

- مستفعلن مستفعلن مستفعلن فع (رجز مثنی ابتر) (غزل ص ۳۶)

یک باغ آواز قناری مانده اینجا گلهای خوشبوی بهاری مانده اینجا

(ص ۳۶)

۳-۲-۱-۳-اوزان طولانی

یکی از تحولات سبکی پس از انقلاب کاربرد وزنهای طولانی است که در ادبیات فارسی کمتر

سابقه داشته است:

- مفعول مفاعیلین مفعول مفاعیلین فع (هزج مثنی اخرب با یک هجای اضافه)

آی که برفکندی از دیده، حریر خواب را! بر لب جو نظاره کن رقص زلال آب را

(ص ۴۳)

- مفعول فاعلات مفاعیلین مفعول فاعلات مفاعیلین

با آخرین ستاره بتاب امشب بر چشم روزگار و بمان روشن کز پرتو چراغ تو میماند، دنیای ما کران به کران روشن
مثل شهاب و شعله شناور شو، از هفت خان عشق فراتر شو ای نور پرتلاوء باور، شو از پرده‌های وهم و گمان، روشن

(غزل ص ۴۷۹)

با توجه به بسامد بالای اوزان بلند و طولانی میتوان اینگونه استنباط کرد که فضای این غزها و نوع تجربه و دیدگاه خاص عرفانی، مذهبی، انقلابی و سلحشوری شاعر، در برگزیدن این اوزان دخیل بوده باشد. این اوزان که نوعی طنطنه و فخامت و استواری را به ذهن متبادر میسازد گویی در ساحت شعری شاعر بهترین نوع وزن در مانا کردن اندیشه‌ها و تفکراتش بر جان و روح مخاطب و بر عرصه تاریخ است. تجربه‌های شخصی و درزمان بودن آنها و همزمان بودن سرایش اشعار با فضای متعلق به آن و ایمان قلبی شاعر به آنچه که میگوید و توجه به چینش خاص این مفاهیم در ذهن مخاطب خود به ویژه که شاعر یک زن و برخوردار از نقش پرورشگری و تربیت‌کنندگی مادرانه است، احتمالاً در انتخاب آگاهانه شاعر مؤثر بوده است. لازم به ذکر است، در اوزانی که با هجای کوتاه شروع میشوند یا هجاهای کوتاه در کنار هم قرار میگیرد، بستر مناسبی برای نمایش عواطف و احساسات و گاه حالات هیجانی شاعر است. همچنین وزن-هایی با ارکان کشیده و بلند، مبتین وقار و سنگینی و لحنهای فلسفی و تفکر برانگیز است. (عمران پور، ۱۳۸۸: ۱۷۶)

۳-۱-۳- ردیف و قافیه

با نگاهی به ردیفهای این اشعار، تنوع ردیفها و بسامد بسیار بالای ردیفهای اسمی و فعلی را مشاهده میکنیم. مانند، حتی، اینجا، چرا، شما، من، تو، آشنا، شبنمها، لحظه‌ها، قناریها، امشب، شب، گذشت، نیست، چیست، می‌پژمرد و... از دیگر موارد درخور ذکر در این قسمت تکرار ردیفهاست. ردیفهایی چون، است، نیست، را، مرا، آقا، مولا، امشب، دارد، ندارد، شد، نشد، بود، نبود، شود، نمیشود، میدهد، نمیدهد، می‌آید، نمی‌آید، کن، تو، من و...

تکرار و استفاده از برخی ردیفهای خاص و همچنین سادگی ردیفها ناشی از دوران انقلاب و جنگ و فضای تند و شتابزده حاکم بر آن دوران است. این ردیفهای ساده در بافت شعر نوعی همزادپنداری را با شاعر در مخاطب زنده میکند که هدف شاعر متعهد نیز همین است، چرا که با همراه نمودن دل و جان مخاطب با روان و اندیشه خود، به مقصود خود که همانا تهییج، به تفکر واداشتن و انتقال سریع اندیشه و پذیرفتنی جلوه دان آنهاست، رسیده است.

قافیه‌های به کارگرفته شده در این اشعار در کمال هماهنگی و در محور عمودی اشعار، زنجیره اتصال مفاهیم به یکدیگر و در خدمت ارائه اندیشه‌های شاعر بوده، همچنین گزینش این واژگان به عنوان قافیه، علاوه بر ایجاد هماهنگی موسیقایی، باعث تأثیرگذاری بیشتر و ترغیب مخاطب به سیر و سلوک در بستر شعر شده است، مانند قافیه قرار گرفتن قناری، بهاری، یادگاری، بیقراری، زاری، بردباری، اضطرابی، پاسداری، امیدواری، انتظاری و باز تکرار قافیه اول یعنی قناری در غزل ترنمهای زخمی (ص ۴۶) یا در غزل کاش بودم (ص ۴۶) قافیه‌های نینوای، جای، مبتلای، جای پای، ماجرای، همصدای، پاره‌های، حاکی از همین تعامل و هماهنگی در جهت سیر تکاملی مفهوم ارائه شده در این غزلهاست.

۳-۱-۴- تکرار

در شعر معاصر تکرارها در سطوح مختلف قابل رویت بوده و از محورهای اساسی ایجاد ریتم و آهنگ (موسیقی) محسوب می‌گردد که هدف شاعر از به کارگیری تکرارها، علاوه بر برجسته‌سازی، گاهی تأکید و تقریر بر یک موضوع، مفهوم یا اندیشه نیز است. استفاده از تکرار علاوه بر ایجاد موسیقی درونی و جنبه‌های هنری آن بستری مناسب را برای انتقال اندیشه و نگرش خاص شاعر به همراه تأکیدی که از این تکرار حاصل می‌شود فراهم می‌سازد. علاوه بر این موارد در تکرارها خواننده با نوعی از ره‌اشدگی در معنا روبه‌رو می‌شود که ذهن او را به تفکر واداشته و باعث ایجاد حرکتی دورانی در شعر نیز می‌شود. (بررسی کارکردهای تکرار در شعر معاصر، روحانی: ۱۵۴) همچنین اگر تکرار به جا و درست از جهت معنوی به کار گرفته شود، باعث ایجاد ضرب آهنگی در کلام می‌شود که در جهت جلب تصدیق و پذیرش مخاطب، شاعر را یاری خواهد کرد. (تکرار، ارزش صوتی و بلاغی آن، متحدین: ۵۰۱)

● تکرار واج (واج‌آرایی)

ای اتفاق بزرگ، آینده پردازان!

با یک نگاه تو باشد شعر و شعارم شکوفا

(ص ۷۳)

مرا به یاد بیاور در این شب یلدا

مرا بخوان به حضور خود ای بلندبالا

(ص ۳۸)

بدان که چشم نیدارند دیدن ما را

به آسمان محبت، رسیدن ما را

(ص ۳۹)

جذبۀ جاوید مه‌رم، روح سبز رویشم

عمر بی‌پایان، بهار بی‌خزان خواند مرا

(ص ۵۲)

● تکرار هجا

جوشد و خندد و رود، رقصد و پیچد و رود

کس نشناسد این چنین شیوۀ پیچ و تاب را

(ص ۴۳)

دوباره سبز می‌رود، دوباره سرخ می‌رسد

تهی ز برگ می‌کند، شراره خزان مرا

(ص ۶۳)

● تکرار واژه

ساحل به ساحل، نخلهای سربریده

کارون به کارون، بیقراری مانده اینجا

(ص ۳۶)

شکستی چرا خامۀ ساده‌ام را؟

همین چامه پرداز آزادهم را.

شکستی چرا این نوای غرورم؟

نوای ز پرواز، افتاده‌ام را.

(ص ۵۰)

- ای گل الهی الهی از پرده بیرون بیایی!
دسته دسته می‌میرند سارها، قناریها
- تأ خود بینی زشوقت گردد بهارم شکوفا
گوشه‌هاست لبریز از غار غار گاریها
- تکرار عبارت (ردّ صدر العجز)
یک باغ آواز قناری مانده اینجا
خرم بمان ای شهر خرم، کز بهاران
- گل‌های خوشبوی بهاری مانده اینجا...
یک باغ آواز قناری مانده اینجا
- عاشقم عاشق شما آقا!
من همان شاعرم که یک عمریست
- جان جدّت بیا بیا آقا!...
عاشقم؛ عاشق شما آقا!
- تکرار واه‌های همجنس و متناسب (مراعات نظیر)
به علم و حلم و زهد و عدل و تقوا
- امامت را مبنای بود مولا
با یک نگاه، هر چه سیاه و سپید خواست
- روز عشق و جوانه و رویش
روز ابر و نسیم و باران است
- بهار عشق و فضیلت، شمیم صبر و سکوت
چو بوی عطر خدا بر مشام جان جاریست
- با قلمفر، لاله، مریم، دست دلبر، رازقی
جشنها در زیر آلاچیق پیچک داشتم
- مثل فرشته‌هاست دلش از جهان تهی
از مهر و ماه و اختر و از کهکشان، تهی
- البته گفتنی است، در اشعار مزبور تکرار واژه‌های و واجها با بسامد بسیار بالایی قابل مشاهده است، و شاعر با این تکرارها سعی در جلب توجه مخاطب و به حرکت درآوردن اندیشه و جلب دقت نظر اوست.

کوچکترین واحد معنایی که انسان برای انتقال مفاهیم از آن به شکل انفرادی یا در یک زنجیره منظم بهره میگیرد؛ واژه نام دارد. «واژه‌ها علاوه بر انتقال معنی و ایده‌ها حامل نشانه‌های متمایزکننده هستند... انواع واژه‌ها براساس خصوصیات صوری و معنایی از هم تفکیک میشوند. هر طیف واژگانی تناسب خاصی با نوع اندیشه و سبک دارد. اندیشیدن انتزاعی یا ذهنی، سخن عامیانه با رسمی، کهن‌گرایی یا نو واژه‌سازی هر کدام بیانگر شکلی از تفکر هستند. افزون بر این واژه‌ها دارای شاخصهای عقیدتی و ایدئولوژیک نیز هستند. خنثایی و نشان‌داری واژه‌ها ارزش سبک‌شناسی زیادی در تعیین محتوا و سرشت ایدئولوژیک [شعر] دارند.» (سبک‌شناسی، فتوحی: ۲۶۶)

بسامد بالای برخی از واژه‌ها در شعر، نمایانگر رویکرد و جهان‌بینی خاص شاعر است. مثلاً استفاده فراوان از واژه‌های مذهبی مانند، مسجد، قرآن، تقوی، محراب، سحر و ... نشان دهنده رویکردی مذهبی است.

واژه‌های ذهنی و انتزاعی

به کارگیری واژه‌های انتزاعی جنبه تجسمی شعر را تقویت میکند و این باعث تأثیرگذاری بیشتر اثر میشود. از سوی دیگر خواننده برای دریافت معنا و مفهومی که در ژرف ساخت جملات و تصاویر ذهنی و انتزاعی وجود دارد به تفکر و تعمق واداشته میشود، که این خود نیز ابزاری برای انتقال پیام و نهادینه کردن آن در ذهن خواننده است.

صدایت میچکد از ابرهای انتظار امشب و بوی وحی میریزد به جان بیقرار امشب

(ص ۹۳)

از ردّ پرواز کبوترهای عاشق خطّی برای پاسداری مانده اینجا

(ص ۳۶)

التهاب لاله در خواب خیالت تا شکفت، عشق در چشم تو شد دلخواه، میدانی چرا؟

(ص ۴۴)

من همان خورشید ایثارم که در هر صبح و شام باغ جان، قلب جهان، روح زمان خواند مرا

(ص ۵۲)

۳-۱-۵-۲- واژه‌های کهن (آرکائیسم)

کهن‌گرایی در شعر وی با انگیزشهای متفاوت در مخاطب همراه است:

- انگیزش حس نوستالژیک؛ این نوع واژه‌ها موجب تجدید خاطره و احساس دلتنگی در خواننده میگردد. سیمرغ قاف کهنکشانهایم نمیدانم ریزد چرا دست قضا بر آشیانم سنگ؟

(ص ۲۵۷)

جنون مسیر بیابان کدام مجنونی؟ و سر سپرده عشق کدام لیلایی

(ص ۵۹۵)

کسی جنون مرا پاسخی نداد بدان، که کرد عشوه لیلی، پر از ملال مرا

(ص ۵۷)

-انگیزش تداوم فرهنگی؛ استفاده از این واژه‌ها باعث پیوند مخاطب با ادوار پیشین و تداوم سنت و فرهنگ میشوند.

قوم ضحاکان چه میخواهند از اولاد پیغمبر؟ کینه آن نانجیبان کرده آشوبی به پا در باد

(ص ۱۹۴)

به درویشی من نمیدوختی چشم، که با خسرو و جم، گره خورده بودی

(ص ۵۵۷)

همان روز که رفتی تا به قاف عشق، فهمیدم که تا عرش خدا بردند آهنگ صدایت را

(ص ۴۷)

-انگیزش شکوه و والایی؛ اینگونه واژه‌ها تداعی کننده شکوه و فخامت میراث‌های کهن ادبی است. باشد جهانی، دیده بگشایند تا بینند افراسیاب، امروز هم پیروز بر رستم نمیگردد

(ص ۱۹۷)

ابر در خروش آید، خون گل به جوش آید با سپاه اهریمن، روز کارزار آید

(ص ۳۰۰)

زن ای آیه‌های بهشت برین خدا سیرت پاک گردآفرین!

در اشعار این شاعر با نوعی آرکائیسم مذهبی - آیینی در بسامد بالا مواجه هستیم که به طرز عجیبی با باورهای دینی مخاطب گره خورده و اندیشه او را سمت و سو میدهد و این را یکی از ویژگیهای بارز شعر متعهد میتوان برشمرد و شاعر در راستای تداعی شکوه و والایی آن مفاهیم و تلمیحات و تداوم فرهنگ دینی و مانا و پایدار شدن آنها در ذهن و جان مخاطب قدم برمیدارد.

به شهر شادیت، خورشیدِ عالمتاب بنشیند بهاری سبز، خرم، پاک، زهرایی شوی امشب

(ص ۹۷)

نام یوسف از میان میشود پدید عشق میتابید و دامن زلیخا میگرفت

نام مریم بر فراز برج معبد، مثل ماه، میدرخشید و جهان، بوی مسیحا می‌گرفت

(ص ۱۱۸)

واژه‌های نشان‌دار

رویکرد خاص اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شعر بر دوش واژه‌های نشان‌دار است... که مبین انعکاس فردیت و دیدگاه شاعر نسبت به آنچه که بیان میکند، است. (سبک‌شناسی، فتوحی، ۲۴۹) از سوی دیگر واژه‌های نشاندار متعلق به یک نظام اعتقادی خاص هستند که در عین اینکه پویا، محرک و حامل بار احساسی و عاطفی ایدئولوژیک هستند، رویکرد خاص شاعر را نیز روشن می‌سازند. در اشعار سیمیندخت میتوان واژه‌های نشاندار را به چهار دسته در عرصه باورهای ایدئولوژیک تقسیم کرد:

- واژه‌های دینی و آیینی مانند، عاشورا، زینب، حسین، عباس، ایمان، امام، کربلا، لبیک، اجابت، ایزد، نماز، عروج، عرش، شریعت، ضریح، عدل و

اجابت کرد آن شب باز هم ایزد، دعایت را که چون عباس سنجیدند میزان وفایت را

(ص ۴۷)

- واژه‌های انقلاب مانند، استقامت، پایداری، ایثار، قیام، رأی، جهاد، لاله، تشیع، فتنه، طغیان، ولایت، شجاعت و

از رد پرواز کبوترهای عاشق خطی برای پاسداری مانده اینجا

(ص ۳۶)

- واژه‌های جنگ مانند، بمب، توپ، خمپاره، زره، شمشیر، غارت، جنگ، خونریزی، شهید، مرکب و ...
توپ و بمب و خمپاره، آتش است و گهواره شعله‌ها رها گشتند از دل بخاری‌ها

(ص ۹۰)

از لابه‌لای این همه موشک، تفنگ، توپ برق سلام من به صفای تو میرسد

(ص ۲۲۳)

- واژه‌های طبیعت، آسمان، خورشید، ستاره، کهکشان، آفتاب، درخت، نخل، شکوفه، گل، نیلوفر، یاس، لاله، شب‌بو، بهار، زمستان، قناری، کبوتر، باران و

سوسن و نسرين و سنبل، سوری و یاس سفید لاله و گل، کاروان در کاروان دارد بهار

(ص ۳۱۸)

- واژه‌های زنانه، در این حیطه شاعر با بسامد بالایی از اسم زنان تاریخ بهره جسته است مانند، زهرا، زینب، مریم، آسیه، سارا و ...

تو زهرا، تو زینب، تویی آسیه تو مریم، توسارا، تو امّ البنین (ص ۵۰۷)

اگرچه شاعر در فضای انقلاب و جنگ زندگی کرده؛ اما درواقع باورهای دینی عمیق پشتوانه ایجاد تفکرات انقلابی و اجتماعی و بیا رویکردی کاملاً مذهبی در شعر وی شده است. بسامد بالای واژه‌های دینی - آیینی در اشعار مورد بحث نسبت به دیگر واژه‌ها و تسلط بلامنازع بر آنها، نیز مبین این مطلب

است. از سوی دیگر شاعر آگاهانه و دقیق از این بستر مذهبی برای ترویج اندیشه‌های خود به خوبی بهره برده است.

۳-۲- سطح ادبی

بررسی اشعار به لحاظ شگردهای هنری و آرایه‌های ادبی در سطح ادبی از جمله بخشهای سبک-شناسی محسوب میگردد. مهمترین مباحث ادبی در شعر سیمیندخت وحیدی عبارتند از: ۳-۲-۱- سبک تشبیهی: اگرچه تمامی شاعران از تشبیه برای هنرتر کردن اشعار خود و تمایز آن با کلام عادی بهره میبرند؛ اما «نگرش و ذهنیات فرد در گزینش طرفین تشبیه و نحوه ترکیب آنها باعث گونه‌گونی سبکهای تشبیهی میشود.» (همان: ۳۰۷) مانند، کبوترهای عاشق، گیسوی یلدایی، نگاه آینه‌وار، حجم معطر، قاف شیدایی و... البته لازم به ذکر است که منظور از سبک تشبیهی، تمامی ساختهای مجازی زبان است و مشخصاً تشبیه مد نظر نیست:

با براق نور می‌آیی برون از ابر غیبت در بهاری سبز، همراه پرستوها می‌آیی

(ص ۶۲۳)

ای دل، زجان خسته خود، سیر میشوی وقتی به دست حادثه، زنجیر میشوی

(ص ۶۰۹)

بر دلم روییده شوقی، جذبه‌ای، شاید رسیده نوبت پرپر شدن، رسوا شدن در فصل پیری

(ص ۵۷۵)

صدایت میچکد از ابرهای انتظار امشب و بوی وحی میریزد به جان بیقرار امشب

(ص ۶۹)

قطره قطره دل من خون شد و بر خاک چکید ماه من، رنگ صفای تو در آن کوچه نبود

(ص ۲۷۷)

۳-۲-۲- استعاره مفهومی: «درک امور انتزاعی بر پایه امور عینی... یا تجسم مفاهیم ذهنی» است. (سبک‌شناسی، فتوحی: ۳۲۵) با استفاده از صور خیال و صنایع لفظی و معنوی، شاعر میتواند اندیشه‌های انتزاعی خود را در تمامی اشعارش چون روحی دمیده و خواننده را در کشف آن یاری نماید. با گذری بر کلّ غزلیات سیمیندخت وحیدی میتوان دین، عاشورا و انتظار را نقطه ثقل بیشتر اشعار محسوب نمود. همین استعاره-های مفهومی سیال در ژرف ساخت ابیات، باعث ایجاد پویایی و نوعی طراوت در غزلیات وی شده است:

از دم قدسیان بده باز مرا بشارتی تا که به قدس جان کشم بال و پر شتاب را

(ص ۴۳)

گل اندوه میروید به باغ عشق بعد از تو نشان از عدل، بعد از تو نمی ماند به جا مولا!

(ص ۷۷)

بهار میرسد اکنون، دوباره توبه کنید	که نشکنید دلی را چو نامسلمانها
(ص ۸۷)	
هوایی دست و پا کن تا اهورایی شوی امشب	صدای شیون مرغان دریایی شوی امشب
(ص ۹۷)	
نال می‌کنند نایم، نینوای زخمت را	گریه می‌کند هرشب، دیده جای زخمت را
(ص ۴۶)	
اجابت کرد آن شب باز ایزد، دعايت را	که چون عباس سنجیدند میزان وفایت را
(ص ۴۷)	
غم مخور ای عطش آلوده، که دریا پیداست	جوشش چشمه به هر نقطه صحرای پیداست...
کربلا آینه غربت سنگین تو بود	که در آن آینه هم زینب کبرا پیداست
(ص ۱۱۵)	
مرا بی باغ رخسار تو ای دوست!	درخت زندگانی را ثمر نیست
(ص ۱۷۸)	
سلام آینه، امشب بیا برابر من!	که هر که غیر تو اینجاست، هم‌نژاد نیست
(ص ۱۷۹)	
قطره قطره دل من خون شد و بر خاک چکید	ماه من، رنگ صفای تو در آن کوچه نبود!
(ص ۲۷۷)	

۳-۲-۳- موتیف‌ها (نقش‌مایه‌ها): هر عنصر تکرارشونده در اثر ادبی را که حساسیت آفرین باشد موتیف می‌گویند. در زبان فارسی واژه‌هایی چون «نقش‌مایه»، «بن‌مایه»، «مایه اصلی» را معادل این واژه قرار می‌دهند. موتیف معمولاً به دو مفهوم اطلاق می‌گردد؛ یکی برای ایده‌های مسلط و موضوع مرکزی اثر و دیگری برای عنصر یا ترکیبی از عناصر زبانی، یا تصویری تکرار شونده در یک اثر، که برجستگی و تمایز دارند. (سبک‌شناسی، فتوحی: ۳۳۶) بازشناسی و تحلیل موتیف‌های یک اثر از روش‌های کارآمد در راستای تحلیل اندیشه‌ها و بن‌مایه‌های ایدئولوژیک و عاطفی یک اثر محسوب می‌شود.

آینه، آسمان و بهار از موتیف‌های تکرار شونده اشعار سیمیندخت هستند به گونه‌ای که با نگاهی گذرا، بسامد بالای آنها جلب توجه مینماید. از آنجایی که واژگان در بستر شعر دارای بار معنایی و ایدئولوژیک و برخاسته از نگاه و اندیشه خاص شاعر نسبت به مردم، جامعه و متأثر از فضای حاکم بر اجتماع شاعر است، این موتیف‌ها نیز مبتنی بر تکیه اندیشگی شاعر است. تکرار موتیف آینه، ناشی از تأثیر مستقیم شاعر از سبک بیدل دهلوی (شاعر آینه‌ها) است، از سوی دیگر آینه مبتنی روح انسان و انعکاس دهنده منویات باطنی آدمی و اجتماع است. بهار و آسمان از جمله واژه‌هایی هستند که در عین ملموس و آشنا بودن در ذهن

مخاطب، یادآور وسعت، پاکی و طراوت، قداست، تجدید حیات، جایگاه خدا و فرشتگان و جایگاه ابدی انسان است. از این رو شاعر، به خوبی از این واژه‌ها در جهت انتقال اندیشه‌های خود به ویژه، اندیشه‌های مذهبی و اجتماعی سود می‌جوید.

در این ظلمت اگر آینه روید رو به روی تو

(ص ۳۵)

امروز چرا آینه، یخ بسته و سرد است

(ص ۱۵۱)

غبار از آینه دلم بردار

(ص ۱۹۰)

کربلا آینه غربت سنگین تو بود

(ص ۱۱۵)

نفس‌های تو گر پیچد به باغ سینه‌ام، آری،

(ص ۹۳)

تا سرزند خورشید نورافشان ز مشرق

(ص ۳۷)

تو یک ستاره شدی، آسمان فضای تو شد

(ص ۳۸)

سبک‌روchim چون عطری که بر میخیزد از گلها

(ص ۴۱)

جذبۀ جاوید مهرم، روح سبز رویشم

نکته گل‌های عطرآگین عرفانم، بهار

(ص ۵۲)

شاید بدانی هر روز در انتظار ظهورت

(ص ۷۳)

گر زمستانم به انتها برسد

(ص ۷۶)

۳-۳- سطح فکری

گزینش و چیدمان ویژه واژه‌ها در ساخت نحوی جملات، فراوانی و بسامد به کارگیری صور خیال و صنایع لفظی ادبی نه تنها بر جنبه‌های ادبی و هنری شعر تأثیر می‌گذارد، بلکه بیانگر جهان‌بینی و اندیشه خاص

و مورد تأکید شاعر است. شناسایی و استخراج لایه‌های فکری نهفته در بستر شعر، فردیت سبک شاعر و میزان خلاقیت، دیدگاهها و موضع‌گیریهای خاص او روشن می‌سازد. برجسته‌ترین بن‌مایه‌های فکری در شعر او:

۳-۳-۱- اندیشه‌های جهان‌وطنی و فرامرزی
غزه در خون خفت، ای نامردمان! صبر بر این درد جانفرسا کجاست؟

(ص ۱۱۳)

۳-۳-۲- تلفیق اندیشه‌های مذهبی با بیان حماسی
اجابت کرد آن شب باز هم ایزد دعایت را که چون عباس سنجیدند میزان وفایت را

(ص ۴۷)

۳-۳-۳- تفکر شهادت‌ارزشی
تویی برابر من یا منم برابر تو؟ که هست تاج شهادت، همیشه بر سر تو

(ص ۵۱۳)

۳-۳-۴- اعتراض به واپس‌گرایی فکری و فراموشی آرمان‌ها
چه افتاده‌ست بر عالم که در تقویم می‌بینم به یک رنگ است فروردین و تیر و مهرگان حتی؟!

(ص ۳۵)

خیابان مارد پایبی ندارد برای تنفس، هوایی ندارد
پر از رنج و درد و دروغ‌گرانی‌ست برای صداقت، فضایی ندارد

(ص ۲۰۳)

۳-۳-۵- واگویه‌های اعتراضی یا نوستالژیک
خواب دیدم! نه، به خود گفتم که آیا یک بهار میتوان پیدا کند در ریشه فردا مرا؟!

(ص ۴۹)

نشنیده‌ای صدای دلم را؟ به من بگو بعد از وقوع مرگ کبوتر چه می‌کنی؟

(ص ۶۰۶)

یاران گذشت عمری و عادت نکرده‌ایم نه من به خویتان، نه شمايان به خوی من

(ص ۵۰۱)

آفت گرفته باغ صنوبر چه می‌کنی؟ با آبروی خویش برابر چه می‌کنی؟

(ص ۶۰۶)

۳-۳-۶- آرمان‌گرایی

همیشه عشق به ما رأی می‌دهد، زیرا شنیده قصهٔ آسان پریدن ما را
(ص ۳۹)
تو را ما با گلوی لاله‌ها خواندیم آن روزی که دیتاری نمیدانست تاریخ بیان، ما را
(ص ۴۱)

۳-۳-۷- طبیعت‌گرایی

توصیف طبیعت و گرهِ خوردگی آن با اندیشه و عاطفهٔ شاعر به همراه نگاه درونگرایانه به طبیعت، بیان اندیشه‌های والا در بستری زیبا و لطیف جنبهٔ رمانتیکی شعر او را تقویت میکند:
تشنهٔ روییدنم در این خزان بی‌امید گر بمیرم، باز از خاکم برانگیز ای بهار!
(ص ۳۲۰)
بینی که نیلوفر، پژمرده در بستر، شب‌بوی صحرایی مانده‌ست بی‌مادر، از ریشه می‌افتد آن نخل بارآور
(ص ۳۲۷)

۴- تنوع موضوعی غزلیات

با نگاهی کلی به ژرف‌ساخت و مفاهیم بنیادین غزلیات این شاعر معاصر، تنوع موضوعی در آنها برجستگی خاصی می‌یابد که شاید ناشی از مواجه بودن شاعر با گستره‌ای از اندیشه‌ها، دیدگاه‌های مذهبی، سنتی و همچنین حساسیت و نگاه موشکافانهٔ وی نسبت به این گسترهٔ مفاهیم بوده است. تنوع موضوعی غزلیات او به عنوان یک ویژگی بارز سبک فردی، شایستهٔ تجلیل است. در این بخش به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌گردد:

- غزل روایی مانند، دست وحشت (ص ۴۹)، آشیانهٔ لک لک (ص ۵۱)، شهر نگاهش (ص ۵۸)، بادهٔ آتشین (ص ۲۷۵)، زندان سکوت (ص ۲۷۷) و...
- غزل ملی‌میهنی‌مانند، میهنم (ص ۸۴)، این وطن (ص ۲۳۸)، مردم خوبم (ص ۲۵۶)، ای شهر من (ص ۳۹۱)، خاک ایران (ص ۶۶۸) و...
- غزل مقاومت و پایداری مانند، حس تنها شدن (ص ۳۸)، وسعت آرزو (ص ۴۳)، زخم عاشقی (ص ۴۴) و...
- غزل اعتراض مانند، هوای پرکشیدن (ص ۳۵)، چرا...؟ (ص ۴۸)، شکستی چرا؟ (ص ۵۰)، توای نسل فردا (ص ۵۵)، باز لبخند (ص ۸۱)، مثل شما (ص ۸۲)، دلتنگی آفتاب (ص ۱۲۳) و...
- غزل آیینی و مذهبی مانند، سفیر استقامت (ص ۴۱)، روزهٔ یک ماهه (ص ۴۵)، فصل پریشانی (ص ۶۷)، یا مولا! (ص ۷۷)، اشک ارغوانی (ص ۷۸)، مولا (ص ۸۰)، یا علی بن موسی الرضا (ع) (ص ۲۵۴)، عید بزرگ قربان (ص ۱۲۸) و...
- غزل انتظار مانند، ترنم‌های زخمی (ص ۳۶)، جور خیابان‌ها (ص ۴۲)، دلم را (ص ۶۱)، پاسخ سلام (ص ۶۲)، پر از شکوفه (ص ۶۳)، به سمت بهاران (ص ۷۰)، عاقبت (ص ۷۱)، ای اتفاق بزرگ...! (ص ۷۳)، بیایا آقا (ص ۷۴)، من و این انتظار (ص ۷۶)، نژاد من (ص ۴۹۵) و...

- غزل عرفانی مانند، عبور سنگین لحظه‌ها (ص ۴۷)، عروجی جاودان (ص ۵۲)، چشم خورشید (ص ۵۴)، آیینۀ خیال (ص ۵۷)، درد ناگهانم را (ص ۵۹)، تب ابر (ص ۶۴)، صدا کن مرا (ص ۶۵)، خطبه‌ای سبز (ص ۷۲) و ...
- غزل سیاسی مانند، دیدۀ طوفان (ص ۳۹)، سازمان ملل (ص ۱۲۲)، این معما (ص ۱۴۴)، سلام پس‌مدرن (ص ۳۱۳) و ...
- غزل عاشورایی مانند، کاش بودم (ص ۴۶)، فریاد عاشورا (ص ۹۸)، دریا (ص ۱۱۵)، عبور گرگ‌ها (ص ۱۴۰) و ...
- غزل زنانه با تم مذهبی و اجتماعی مانند، خصلت مردها (ص ۱۲۴)، مادر، سلام (ص ۱۴۸)، زینب (س) (ص ۱۶۳)، شعر شبزده (ص ۱۸۲)، پرنده‌های من (ص ۱۸۳)، ای کاش! (ص ۱۸۷)، آشنای چشمانت (ص ۱۹۰)، تو کوثری مادر (ص ۳۲۸)، طعنه همسایه (ص ۳۹۶)، دخترم (ص ۳۹۷)، مادر (ص ۴۶۸)، زن (ص ۵۰۷)، بهارمان زهراست (ص ۱۱۷) و ...
- غزل فرامرزی مانند، فواره آتش (ص ۱۹۸)، غزه در خون (ص ۱۱۳)، تقدیم به کودک‌ان غزه (ص ۱۹۸)، ای عراق شعله-پوش (ص ۵۳۰) و ...

۵- کاستیها

با همه زیباییها، روانی، سادگی و صداقتی که در شعر سیمیندخت وحیدی موج میزند و شاید به سختی مخاطب را به بیان کاستیهای سخن او برانگیزد؛ ولی با یک ریزبینی نقادانه گاه میتوان بر شعر او خرده گرفت. در این بخش به نمونه‌هایی اشاره خواهد شد.

- آوردن «و» در ابتدای مصرع که الزاماً باید مفتوح نیز خوانده شود؛ در حالیکه اگر «و» به گونه‌ای به کار رود که «أ» تلفظ شود، از نظر موسیقایی زیبایی بیشتری می‌آفریند:

و امید سبزی که در باغ تن ریشه دارد	غزل کرده دردی که در جان من ریشه دارد
و در خاطرات خوشت یاسمن ریشه دارد	طلوع صدایت، هنوز آفتابی ترینی

(ص ۲۰۵)

و موج مرگ به ساحل رسید و غوغا کرد	نهنگ معرکه بر دامنش دمی جنباند
و آن تحول مرموز را تماشا کرد	سکوت کرد زمین مثل بارهای دگر

(ص ۲۰۹)

و مثل عود معطر هنوز میسوزد	برای گریه آیینۀ ها گرفته دلم
----------------------------	------------------------------

(ص ۲۲۲)

گاهی «و» در ابتدای اولین مصرع شعر نیز به کار رفته است:

و چشمکی زد و خندید، او ستاره نبود	خودش که منتظر چشمک و اشاره نبود
-----------------------------------	---------------------------------

- در گزینش بعضی واژه‌ها به نظر میرسد که شاعر گرفتار اضطراب سبکی شده است. مثلاً کاربرد فعل «میپژمرد» در غزل «گرتابی»:

گر نتابی بر زمین، گل‌های ما می‌پژمرند
بی نگاهت، سبزه‌های باصفا می‌پژمرند
(ص ۲۵۹)

- کاربرد مفعول مطلق نوعی برای فعل محذوف به نقلید از نحو عربی:
گفتی ار تکرار خواهی با ظهوری ناگهانی باز هم خورشید شو تابیدنی کن اضطراری
(ص ۵۶۷)

تابیدنی اضطراری، مفعول مطلق نوعی برای فعل محذوف «بتاب» است.
- ناهنجاریهای وزنی مثلاً در غزلی با مطلع:
قسم به آن کبوتری که بی صدا شهید میشود به آن سری که در نماز عشق ناپدید میشود
(ص ۵۶۷)

(بر وزن مفاعله مفاعله مفاعله مفاعله فعل)
در اواسط غزل با این بیت مواجه میشویم:
به آن کسی که یک شبه ره هزارساله میرود به غنچه‌ای که قبل از اینکه گل شود، شهید میشود

که هجای اضافه در مصراع دوم از روانی و سلاست شعر میکاهد.

- نتیجه گیری:

- براساس آنچه گذشت، میتوان نکته‌های زیر را به عنوان نتیجه بحث مطرح نمود:
- ✓ تنوع محورهای معنایی غزل‌های این شاعر، از روح بلند و جامعیت اندیشه او حکایت میکند و خردمندان را به تحسین و تجلیل وی برمی انگیزد.
 - ✓ کاربرد اوزان بلند، به نوعی شکوه و صلابتی را متجلی می‌سازد که ناشی از ایمان، عقیده و تجربه‌های شخصی شاعر است.
 - ✓ تکرار در همه سطوح، علاوه بر ایجاد موسیقی درونی و بالابردن وجه ادبی و هنری اشعار، نوعی حرکت دورانی را در ابیات ایجاد کرده که به ره‌اشدگی ذهن خواننده و تمرکز بیشتر او بر روی مفاهیم ارائه شده، می‌انجامد.
 - ✓ بسامد بالای واژه‌های مذهبی - آیینی در حیطه واژه‌های نشان‌دار ایدئولوژیک، حاکی از اعتقاد راسخ و رویکرد پویای اسلامی شاعر است.
 - ✓ صدای غالب بر سروده‌های وی، به تبعیت از گفتمان و روح حاکم بر جامعه، صدای فعال و کنشگر و استعاره مفهومی آنها انتظار، دین و عاشورا است.

✓ تصویرسازهای اشعار، بسیار لطیف، زیبا، تأثیرگذار و تا حدی متمایل به نازکاندیش‌های سبک هندی و شعر بیدل است و موتیف‌های به کار رفته در اشعار — در راستای تقویت محورمعنایی اشعار — بسیار کارآمد و مؤثر هستند.

✓ با همهٔ زیباییها، روانی، سادگی و صداقتی که در شعر سیمیندخت وحیدی وجود دارد، با یک ریزبینی نقّادانه کاستیهایی نیز در شعر او مشاهده میشود که به لحاظ سبک شناسی در خور تأمل هستند.

فهرست منابع:

الف) کتابها

- ۱- ساختار و تأویل متن، بابک احمدی، نشر مرکز، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۷۸
- ۲- فرهنگنامهٔ ادبی فارسی (دانشنامهٔ ادب فارسی ۲، اصطلاحات، موضوعات و مضامین ادبی)، حسن انوشه، نشر سازمان چاپ و انتشارات، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶
- ۳- سبک شناسی (تاریخ تطّور نثر فارسی)، بهار، محمد تقی، جلد اول، انتشارات مجید، چاپ نهم، تهران، ۱۳۷۶
- ۴- حماسه‌های همیشه (دفاع مقدّس در شعر شاعران)، بیگی حبیب آبادی، پرویز، جلد دوم، نشر فرهنگ گستر، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۶
- ۵- شعر بی دروغ شعر بی نقاب، زرّین کوب، عبدالحسین، نشر علمی، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۷۹
- ۶- امیرزادهٔ کاشیها (نقد شعر معاصر احمد شاملو)، سلاجقه، پروین، نشر مروارید، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴
- ۷- آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا، سیروس، انتشارات فردوسی، چاپ هیجدهم، تهران، ۱۳۸۱
- ۸- کلیات سبک شناسی، شمیسا، سیروس، نشر میترا، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۸
- ۹- سیرغزل در شعر فارسی، شمیسا، سیروس، انتشارات فردوسی، چاپ ششم، تهران، ۱۳۸۰
- ۱۰- موسیقی در شعر، شفیعی کدکنی، محمّدرضا، نشر نقش جهان، چاپ ششم، تهران، ۱۳۷۹
- ۱۱- اندیشه در هدایت شعر (گزیده اشعار به انتخاب شاعر)، صفارزاده، طاهره، نشر نزدیک، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴
- ۱۲- درآمدی بر سبک و سبک شناسی در ادبیات، عبادیان، محمود، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۸

- ۱۳- سبک شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روشها، فتوحی، محمود، انتشارات علمی، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۱
- ۱۴- دستی بر آتش (شناخت شعر جنگ)، کافی، غلامرضا، نشر نوید، چاپ اول، شیراز، ۱۳۸۱
- ۱۵- دیوان اشعار، وحیدی، سیمیندخت، نشر مؤسسهٔ انجمن قلم ایران، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۰

ب) مقالات

- ۱- «بررسی کارکردهای تکرار در شعر معاصر (با تکیه بر شعر سپهری، شاملو و فروغ)، روحانی، مسعود، مجلهٔ بوستان ادب دانشگاه شیراز، سال سوم، شمارهٔ دوم، پیاپی هشت، صص ۱۶۸-۱۴۵، ۱۳۹۰
- ۲- «جنبه‌های زیبایی‌شناختی (هماهنگی) در شعر معاصر»، عمرانپور، محمّدرضا، نشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۲، پیاپی ۲۲، صص ۱۸۷-۱۵۹، ۱۳۸۸

- ۳- «تکرار، ارزش صوتی و بلاغی آن» متحدین، ژاله، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، سال ۱۱، شماره ۳، صص ۵۳۰-۴۸۳، ۱۳۵۴
- ۴- «شعر»، ابراهیمی طاهره، نشریه علوم تربیتی، شماره ۱۴۲، صص ۵۳-۵۵، اردیبهشت ۱۳۷۸
- ۵- نشریه علوم تربیتی، شماره ۱۲۸، صص ۲۴-۲۵، آبان ۱۳۷۶
- ۶- «اشعار»، نشریه ادب و زبانها، شماره ۶۴، صص ۲-۲۴، زمستان ۱۳۸۷
- ج) پایان نامه «تصویر آفرینی در شعر شاعران زن (طاهره صفارزاده، سپیده کاشانی، سیمیندخت وحیدی، فاطمه راکعی)»، به راهنمایی بهجت السادات حجازی، حسن خانی مریم، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۸۹